



### ادامه مذاکره با اروپا

وزیر امور خارجه کشورمان با تاکید بر اینکه مذاکرات با اروپا ادامه می‌یابد، درباره سفر لاوروف به تهران و اینکه وی حامل پیامی بوده است، تاکید کرد: قرار نبود پیامی بیابورد. سیدعباس عراقچی در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران گفت: ما دو روز پیش در ژنو دور جدیدی از مذاکرات با سه کشور اروپایی را انجام دادیم و این مذاکرات درباره مسائل هسته‌ای و بعضی مسائل دیگر بود. وی ادامه داد: مذاکرات با اروپا ادامه می‌یابد و البته به هر حال فرازونشیب خاص خود را دارد. سوالات و نکات متعددی هست که باید پاسخ داده شود. مذاکرات ادامه خواهد داشت. وی درباره سفر وزیر خارجه روسیه به تهران و مذاکراتش بیان کرد: مذاکرات بسیار مفصلی داشتیم و درباره تمام مسائل منطقه و در خصوص طیف وسیع مسائل دوجانبه گفت‌وگوی مفصلی داشتیم. آقای لاوروف درباره مذاکرات روسیه با آمریکا و مذاکرات خود با دیگران در منطقه گزارش مفصلی داد. وزیر خارجه افزود: پیامی در این دیدار وجود نداشت و قرار نبود پیامی بیابورد. وی در خصوص پاسخ تهران به سیاست آمریکا در جهت محدودسازی کشورها برای همکاری با ایران، گفت: ما تحت تاثیر فشار حداکثری مذاکره نمی‌کنیم. سیاست فشار حداکثری هم جدید نیست و یکبار امتحان شده و نتیجه مثبتی نداشته است. ایران سال‌هاست مسیر پیشرفت خود را بدون توجه به تحریم‌ها دنبال کرده است. ایران با زور و فشار و زبان تهدید و تحریم مذاکره نخواهد کرد. ایران ثابت کرده به زبان احترام و کرامت پاسخ خواهد داد. عراقچی در پاسخ به این پرسش که آیا در دیدار با امیر قطر، وی حامل پیام خاصی برای ایران بود؟ گفت: پیامی وجود نداشت و ما مشورت و رایزنی درباره مسائل منطقه‌ای داشتیم. با سایر کشورهای منطقه هم تماس مرتب داریم. اقتضای مسائل منطقه‌ای این است که با کشورهای منطقه مرتب مذاکره داشته باشیم.



### انتقاد از آژانس

رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان اینکه اراده‌ای سیاسی وجود دارد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جواب‌های ایران را نپذیرد، تصریح کرد: وقتی مدیرکل آژانس می‌گوید ایران مسائل خود را با ترامپ حل کند، یعنی موضوع سیاسی است نه فنی. محمد اسلامی در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران اعلام کرد: در این هفته به دستاورد مهم دستیابی به گاز هلیوم از گاز طبیعی رسیدیم. گاز هلیوم فرصت‌های اقتصادی برای کشور دارد. با مشارکت یکی از دانشگاه‌ها، پیلوت این دستور را رونمایی کردیم و کارخانه اولیه را در سال آینده عملیاتی خواهیم کرد. اسلامی درباره گزارش آژانس انرژی اتمی نیز بیان کرد: این گزارش شامل دو بخش خواهد بود. یک بخش پادمان و یک بخش برجام خواهد بود. سه کشور اروپایی فشار خود به آژانس در خصوص گزارش را بیشتر کرده‌اند. آژانس اعلام کرده در نوبت بعد گزارش را تهیه خواهد کرد. امیدواریم آژانس طبق قانون خود، حقوق همه ملت‌ها را رعایت کرده، رفتار حرفه‌ای داشته باشد و از سیاسی کاری خودداری کند و طبق ماهیت قانون خود عمل کرده و عامل فشارهای غیرحقوقی و حرکت‌های غیرقانونی نباشد. وی در خصوص همکاری با آژانس انرژی اتمی در خصوص سوالات پادمانی گفت: آژانس پاسخ سوالات پادمانی را گرفته، ولی اراده‌ای سیاسی وجود دارد که جواب‌ها را نپذیرد.

بود. بریتانیا با اجرای سیاست‌هایی مانند «قانون آموزش انگلیسی» مصوب سال ۱۸۳۵، زبان انگلیسی را جایگزین فارسی کرد. این اقدام نه تنها ارتباط فرهنگی ایران و هند را کاهش داد، بلکه نفوذ معنوی ایران را نیز محدود کرد. با کم‌رنگ شدن میراث فارسی در هند مانند حذف شعرها، نویسندگان و سنت‌های ایرانی، بریتانیا گسستی مصنوعی در پیوندهای تاریخی دو تمدن ایجاد کرد. پس از استعمار بریتانیا ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک میان ایران و هند نیز از بین رفت و حکومت‌های محلی متحد ایران منحل شده و از بین رفتند. بسیاری از حکمرانان محلی هند مانند نواب حیدرآباد که با ایران روابط نزدیک داشتند، توسط بریتانیا سرنگون یا تابع شدند. با حذف این حکومت‌ها، شبکه دیپلماتیک و اتحادهای سنتی ایران در هند از بین رفت. بریتانیا در مناقشات مرزی ایران مانند جنگ هرات در سال‌های ۱۸۵۶-۱۸۵۷ در دوران سلطنت محمدشاه و ناصرالدین شاه به طور مستقیم مداخله کرد و با تحمیل قرارداد پاریس ۱۸۵۷، ایران مجبور به عقب‌نشینی از هرات شد و نفوذش در افغانستان به عنوان دروازه هند تقریباً نابود گردید. در جریان جنگ هرات بریتانیا با استفاده از قدرت دریایی خود بنادر و سواحل جنوبی ایران را تهدید کرد و ایران که فاقد قدرت دریایی بود، مجبور به تسلیم و پذیرش خواسته‌های بریتانیا شد. بریتانیا با تغییر ژئوپلیتیک منطقه دست به ایجاد دولت‌های حائل زد و با تعیین مرزهای مصنوعی مانند خط دیورند در سال ۱۸۹۳ و تقویت حکومت‌های دست‌نشانده در افغانستان و بلوچستان، مانع از گسترش نفوذ ایران به سمت شبه‌قاره شد. جدایی بلوچستان شرقی با دخالت مستقیم بریتانیا منجر به قطع نفوذ ایران و تشکیل حکومتی دست‌نشانده در کلات شد. بریتانیا با تبلیغ ایران به عنوان «تهدید خارجی»، همکاری میان هندوستان و ایران را تضعیف و جایگاه ایران را در افکار عمومی هندی‌ها خدشه‌دار کرد و با تقویت جریان‌های افراطی هند علیه مسلمانان و تقویت جریان‌های تندرو مسلمان علیه سایر گروه‌ها سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» را در شبه‌قاره به کار برد.

بریتانیا با کنترل بنادر و مسیرهای تجاری هند مانند بمبئی و کلکته، بازرگانان ایرانی را از بازار هند حذف کرد. همچنین، سیاست‌های گمرکی سنگین، صادرات کالاهای ایرانی مانند فرش و ابریشم و ادویه به هند را غیراقتصادی کرد. ایران پیش از استعمار، از طریق هند به بازارهای شرق آسیا دسترسی داشت، اما سلطه بریتانیا این مسیرها را بست. تاجران ایرانی تا جنوب شرق آسیا و چین را طی می‌کردند و تجارت در سرتاسر جاده ابریشم در دست تاجران ایرانی بود که با تسلط بریتانیا بر هند از طریق قدرت نظامی نیروی دریایی بریتانیا این تجارت از بین رفت.

بریتانیا با تحریک حکومت‌های محلی مانند امیران افغانستان یا خانات آسیای میانه چون امیر بخارا و سمرقند علیه ایران تلاش کرد تا مانع قدرت‌گیری ایران شود و نفوذ ایران در این منطقه کاهش یابد. بریتانیا همچنین از ایران به عنوان ابزاری در بازی بزرگ یعنی رقابت‌های خود با روسیه تزاری استفاده کرد. در رقابت با روسیه، بریتانیا اغلب منافع ایران را قربانی می‌کرد. استعمار بریتانیا در هند با محوریت حفظ تاج گنجه امپراتوری، تمامی ابزارهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی را برای قطع پیوندهای دیرینه ایران و هند به کار گرفت. این اقدامات نه تنها موقعیت ژئوپلیتیک ایران را تضعیف کرد، بلکه بخشی از زوال تاریخی نفوذ ایران در شبه‌قاره را رقم زد.

نادرشاه شروع یک افول طولانی مدت برای امپراتوری گورکانی بود که در نهایت به سلطه بریتانیا منجر شد. باید در نظر گرفت که بریتانیا از چه زمانی شروع به نفوذ در هند کرد. کمپانی هند شرقی در اوایل قرن ۱۷ فعالیتش را شروع کرد، اما در قرن ۱۸ و ۱۹ به تدریج قدرت گرفت. شرکت‌های استعماری اروپایی، به‌ویژه کمپانی هند شرقی، از این آشفتگی‌ها برای گسترش نفوذ خود استفاده کردند. آنها با انعقاد پیمان‌های جداگانه با حکام محلی و بهره‌گیری از اختلافات داخلی، به تدریج کنترل اقتصادی و نظامی مناطق کلیدی را در دست گرفتند. حمله نادرشاه در سال ۱۷۳۹ چند دهه قبل از اوج‌گیری قدرت بریتانیا در هند اتفاق افتاد. ضعف ناشی از این حمله، زمینه را برای نفوذ اروپایی‌ها فراهم کرد. همچنین، نادرشاه با تصرف مناطق شمال غربی هند، مسیر را برای ورود دیگر نیروها از جمله افغان‌ها باز کرد که بعدها درگیری‌های بیشتری را ایجاد کردند و این هم به تضعیف بیشتر هند کمک کرد. ضعف امپراتوری گورکانی پس از حمله نادرشاه، راه را برای تهاجمات بعدی نیروهایی مانند احمدشاه ابدالی (درانی) در سال ۱۷۵۷ باز کرد. این حملات پی در پی، مانع هند را بیش از پیش تحلیل برد و ثبات سیاسی آن را نابود کرد. احمدشاه درانی سردار سپاه نادرشاه با ایجاد سلسله درانی در افغانستان بارها به هند حمله کرد و این حملات متعدد نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم همین ضعف بود. در کل، به نظر می‌رسد که لشکرکشی نادرشاه به هند باعث ضعف شدید امپراتوری گورکانی، کاهش منابع مالی و نظامی، بی‌ثباتی سیاسی و افزایش خودمختاری مناطق مختلف شد. این عوامل دست به دست هم دادند تا هند در مقابل استعمار بریتانیا آسیب‌پذیرتر شود تا بریتانیا بتواند با استفاده از اختلافات داخلی و ضعف حکومت مرکزی، به تدریج کنترل هند را به دست بگیرد. حکومت‌های محلی و حتی امپراتوران بعدی گورکانی، برای مقابله با رقبای و دشمنان، مجبور به استخدام سربازان و مشاوران اروپایی شدند. این موضوع به کمپانی هند شرقی اجازه داد تا نفوذ خود را در ساختار سیاسی هند نهادینه کند.

بریتانیایی‌ها با استفاده از استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن» از پراکندگی قدرت در هند بهره بردند و به حمایت از برخی حکام محلی در برابر رقبایشان پرداختند و با انعقاد قراردادهای نابرابر، پایه‌های استعمار را بنا نهادند. نبردهای مهمی مانند نبرد پلاسی (۱۷۵۷) و نبرد بکسر (۱۷۶۴) در شرایطی رخ داد که هند از نظر سیاسی و نظامی بسیار ضعیف‌تر از گذشته بود. ضعف هند همچنین به بریتانیا اجازه داد تا رقبای اروپایی خود مانند فرانسه را از صحنه خارج کند و سلطه انحصاری خود را بر شبه‌قاره تحکیم بخشد. هرچند پیروزی نادرشاه در کوتاه‌مدت اقتدار ایران را افزایش داد، اما مرگ او در سال ۱۷۴۷ و هرج و مرج پس از آن، باعث شد ایران نتواند نقش مؤثری در رقابت‌های بعدی هند ایفا کند. این موضوع به بریتانیا اجازه داد بدون مداخله قدرت‌های منطقه‌ای، برنامه‌های استعماری خود را پیش ببرد.

### استعمار بریتانیا و حذف نفوذ ایران

استعمار بریتانیا در هند با اجرای سیاست‌های مختلفی تلاش کرد نفوذ تاریخی و منافع ایران در این منطقه را تضعیف کند. بریتانیا با حذف فارسی از نظام اداری و آموزشی تلاش کرد نفوذ معنوی و فرهنگی ایران را در شبه‌قاره هند از بین ببرد. پیش از استعمار، فارسی زبان رسمی دادگاه‌ها، دیوانسالاری و فرهیختگان در هند

فیل‌های جنگی از تعداد کمتری برخوردار بود اما نادرشاه با استفاده از تکنیک‌های جنگی و سازماندهی مناسب توانست بر سازماندهی ضعیف و تجهیزات قدیمی سپاه محمدشاه گورکانی غلبه کند. نادرشاه با تاکتیک‌های برتر نظامی مانند استفاده از توپ‌های زینبورک بر پشت شترها و حمله شترهای آتشین به فیل‌های جنگی، ارتش هند را شکست داد و در حالی که کمتر از دوهزار تلفات داد بیش از بیست هزار از سپاهیان هند را کشت.

دلیل جنگ فرار برخی از شورشیان قندهار بود. افغان‌های هوتکی که در برانداختن سلسله صفوی نقش داشتند در ادامه نیز قصد تبعیت از حکومت مرکزی ایران را نداشتند و نادرشاه ناگزیر برای سرکوب آنان به هند لشکر کشید. محمدشاه گورکانی از استرداد آنها خودداری کرد و این مسئله بهانه‌ای برای لشکرکشی نادر شد. منطقه قندهار پیش از این همواره میان ایران و هند مورد مناقشه بود و نادرشاه برای تثبیت حاکمیت ایران در مرزهای شرقی، هند را تحت فشار قرار داد. محمدشاه گورکانی با شورش‌های راجه‌ها حاکمان محلی، فساد اداری، و ناتوانی در کنترل ایالات مواجه بود. نادرشاه این آشفتگی برای حمله بهره برد. از سوی دیگر نادرشاه برای تأمین هزینه‌های جنگ‌های طولانی خود در ایران و عثمانی، به ثروت افسانه‌ای هند چشم دوخته بود. در ۲۶ فوریه ۱۷۳۹، محمدشاه شخصاً به اردوگاه نادرشاه رفت و تاج سلطنت هند را به او تقدیم کرد. نادرشاه با حفظ عنوان ظاهری محمدشاه، عملاً حاکم هند شد. نادرشاه وارد دهلی شد و گنجینه‌های امپراتوری گورکانی، از جمله تخت طاووس، الماس کوه نورو و دریای نورو را به ایران انتقال داد. ارزش غنایم به حدی بود که نادرشاه برای سه سال مالیات ایران را لغو کرد.

### تأثیر حمله نادر بر گورکانیان

تصرف دهلی توسط نادرشاه ضربه نهایی به اقتدار گورکانیان وارد کرد. امپراتوری به تدریج به ایالات پراکنده تجزیه شد و راه برای تسلط انگلیسی‌ها بر هند هموار گشت. پیوندهای فرهنگی و سیاسی پیشین ایران و هند که مبتنی بر احترام متقابل بود، به سردی گرایید. با این حال، نفوذ زبان فارسی و معماری ایرانی تا دوران استعمار بریتانیا در هند باقی ماند. تضعیف امپراتوری گورکانی پس از نبرد کرنال، هند را به صحنه رقابت قدرت‌های اروپایی به‌ویژه بریتانیا و فرانسه تبدیل کرد. بریتانیا با استفاده از اختلافات محلی، تا سال ۱۸۵۷ کنترل کامل هند را به دست آورد. هرچند نادرشاه موقعیت نظامی ایران را به صورت مقطعی به اوج رساند، اما مرگ او در سال ۱۷۴۷ و هرج و مرج پس از آن، باعث شد ایران نتواند از دستاوردهایش در هند بهره‌برداری پایدار کند. نبرد کرنال نه تنها یک پیروزی نظامی در خشان برای نادرشاه بود، بلکه نقطه عطفی در تاریخ هند محسوب می‌شود که سقوط امپراتوری گورکانی و استعمار بریتانیا را تسریع کرد. لشکرکشی نادرشاه به هندوستان در سال ۱۷۳۹ و پیروزی او در نبرد کرنال تأثیرات عمیقی بر تحولات سیاسی و نظامی هند گذاشت که به‌طور غیرمستقیم زمینه‌ساز تسلط بریتانیا بر این شبه‌قاره شد. این نبرد نشان‌دهنده نبوغ نظامی نادرشاه و ضعف ساختاری امپراتوری‌های شرقی در برابر تحولات جهانی بود. لشکرکشی نادرشاه به هندوستان و نبرد کرنال بر تضعیف حکومت هند و شکست بعدی از بریتانیا و گسترش استعمار بریتانیا تأثیرات زیادی داشت. این اتفاق باعث ضعف امپراتوری گورکانی (مغول هند) شد. بعد از شکست در کرنال، امپراتوری گورکانی منابع مالی و نظامی‌اش را از دست داد، چون نادرشاه خزانه را خالی کرده و احتمالاً ساختار اداری و نظامی هند را ضعیف‌تر کرد. این ضعف باعث شد که حکومت مرکزی هند نتواند در مقابل تهدیدات بعدی مثل بریتانیا مقاومت کند. همچنین، حمله نادرشاه باعث بی‌ثباتی سیاسی بیشتر در هند شد. وقتی حکومت مرکزی ضعیف شد، مناطق مختلف خودمختار شدند و راجه‌ها قدرت بیشتری پیدا کردند. این حمله به تضعیف امپراتوری گورکانی و فروپاشی اقتدار مرکزی منجر شد. شکست سنگین محمدشاه و غارت دهلی توسط نادرشاه، ضربه مهلکی به حیثیت و قدرت امپراتوری گورکانی وارد کرد. خزانه خالی شده، کاهش توان نظامی، و از بین رفتن ایهت حکومت مرکزی، سلطه گورکانیان بر مناطق تحت حاکمیت‌شان را به شدت تضعیف کرد. خودمختاری مناطق با این حمله رشد کرد و حاکمان محلی و فرمانداران ایالتی پس از این واقعه، عملاً از اطاعت حکومت مرکزی سر باز زدند و به دشمنی‌های داخلی دامن زدند. این بی‌ثباتی، هند را به مجموعه‌ای از قدرت‌های پراکنده تبدیل کرد که مقابله با نیروهای خارجی را دشوار می‌ساخت. این پراکندگی قدرت، کار را برای استعمارگران بریتانیایی آسان‌تر کرد چون نتوانستند با استفاده از اختلافات داخلی و اتحاد با برخی حکومت‌های محلی، به تدریج کنترل مناطق را به دست بیاورند. علاوه بر این، غارت منابع مالی هند توسط نادرشاه اقتصاد منطقه را تحت تأثیر قرار داد. کاهش منابع مالی باعث کاهش توانایی حکومت در حفظ ارتش و اداره کشور شد که باز هم به نفع بریتانیا بود. حمله



کنفرانس مطبوعاتی علی لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و محمد البرادعی، مدیرکل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - فروردین ۱۳۸۵ - تهران